

بسم الله الرحمن الرحيم

تسهیل کننده گان صلح امریکایی!



(ترجمه)

بدون گره‌گشایی و تسهیلات پاکستان، امریکا محکوم به خروج از افغانستان است. مقامات امریکایی با استفاده از پالیسی "تحسین و فشار" از پاکستان می‌خواهند که توسط تسهیل در روند مذاکرات صلح، خود را از شکست و خروج کامل از خاک افغانستان نجات دهند. جنرال جوزف ووتل، فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی امریکا به تاریخ ۵ فروری ۲۰۱۹م، در جریان سخنانش در کنگره به اعضای کمیته خدمات نظامی سنا گفت: «توجه ما به بازی‌گران اصلی منطقه مانند پاکستان است تا از تلاش‌های خود برای تضعیف رفتارهای مقاومت‌انگیز منطقه جلوگیری و نقش براننده‌ای را در حصول پروسه صلح افغانستان، هم‌چنان در تمام آسیای جنوبی بازی کنند.» جنرال ووتل هم‌چنین به جدیت افزود: «با توجه به استراتژی متمرکز شده‌ای ما به "امنیت منطقه و صلح"، به پاکستان یک فرصت فوق‌العاده‌ای مساعد شده تا وعده خود را برای حمایت از تلاش‌های امریکا که متمرکز به دستیابی به یک توافق مذاکره در مورد جنگ افغانستان می‌باشد، ادا کند.

امریکا از هفت دریا دورتر، همیشه و شدیداً وابسته به پاکستان-من حیث یک تسهیل‌گر یا گره‌گشای منطوقی برای مانع شکست‌اش- در افغانستان است. پاکستان بهترین گزینه برای تسهیل خط "ارتباطی باز و امن" ارتباطات برای تهاجم نظامی امریکا به شمار می‌رود. پاکستان تلاش‌های جنگ امریکا را با تأمین دهلیز هوایی، پایگاه‌های هوایی، استخبارات و خطوط تدارکاتی تسهیل نمود. هر زمانی که مقاومت مجاهدین افغان بلند می‌رفت، سپس پاکستان راه را برای ورد صدها تن افسران استخباراتی و شبکه نظامیان خصوصی امریکا در قلمرو خود تسهیل می‌نمود. بعداً امریکا به پاس نیکی‌های پاکستان، با استفاده از همین شبکه نظامی، جنگ

نهان را در میان مناطق سرحدی افغان-پاک با کمک هند طرح ریزی نمود، تا بر رخ پاکستان منت گذاشته و رایگان تسهیل‌گری را از پاکستان در خصوص مذاکرات صلح افغانستان به دست بیاورد.

سپس، هرازگاهی که مجاهدین افغان از اثر مقاومت در برابر امریکا پیشرفت می‌کنند، همین پاکستان است که قوای امریکا را از طریق عملیات نظامی در مناطق قبیلوی تسهیل می‌کند تا سرحد حملات مجاهدین را بر ناتو، نیروهای فریب‌خورده اردوی ملی افغان و امریکا از بین ببرد. هرزمانی که دست‌آوردهای مقاومت‌گران یا مجاهدین ادامه پیدا می‌کند، پاکستان پلان امریکا را با بازسازی دیوار مستحکم دیورند تسهیل می‌کند تا تدبیر امنیتی برای امریکا و متحدینش در افغانستان باشد؛ طوری که اکنون امریکا در لبه خروج مکمل تحقیق‌آمیزش از افغانستان است. پاکستان با صفت منافقت خود، یک‌بار دیگر برنامه‌های امریکا را توسط پایدار ساختن مذاکراتش میان امریکا و طالبان تسهیل می‌کند تا یک معامله سیاسی را به امضاء برساند که باعث حضور دائمی امریکا در خاک افغانستان همراه با پایگاه‌ها و قراردادی‌های نظامیان خصوصی و عساکر عام‌اش خواهد شد.

در عین حال، مذاکرات صلح افغان-نفوذ رو به رشد هند را در افغانستان کاهش نخواهد داد، بلکه مستحکم‌تر از قبل خواهد ساخت. مذاکرات تهدید را هرگز به پاکستان از جانب نیروهای امریکا کاهش نخواهد داد، بلکه امریکا حضور خود را در افغانستان ثابت خواهد کرد؛ هرچند در آستانه خروج از افغانستان نیز باشند. مذاکرات هیچ‌گاه به پاکستان اجازه نمی‌دهد که هیبت و قدرت‌اش را قوت ببخشد، بلکه امریکا یک هیولایی را پرورش خواهد داد که هند زاده آن خواهد بود. در پروسه "بررسی دفاع موشکی‌اش (MDR)"، امریکا با همدستی هند تعهد برای ارتقای ظرفیت "موشک‌های پالستیک دفاعی (BMD)" نمود. اداره‌کننده اطلاعات ملی (DNIS)، در گزارش ارزیابی تهدید جهانی (GTAR) جملات ضدو نقیضی را بیان نموده است که گفت: «امریکا رسماً پاکستان را من حیث دشمن خود می‌پندارد.» علاوه بر این، برای هند دسترسی به تکنالوژی دفاعی پیشرفته و تکنالوژی هسته‌ای از طریق رژیم‌های غربی-که این تکنالوژی را در تحت کنترل خود دارند مانند "رژیم کنترل تکنالوژی موشکی (MTCR)"، گروه استرالیا (AG) و گروه تدارکاتی هسته‌ای (NSG)- داده می‌شود و نیز توافقنامه‌های لوژستیک و دفاعی دوجانبه نیز با هند امضاء می‌شود.

تسهیل‌سازی برنامه‌های متحدین نظامی امریکا، در واقع دوستی یک جانبه است که در نهایت به منفعت امریکا و نه تنها ضرر؛ حتی به ذلت کشور تسهیل‌گر غلام صفت، تمام خواهد شد. دوستی امریکا و پاکستان یک استثناء نیست و نخواهد بود. هرگاه اسلام حاکم شود، بازی‌های حکومت‌داری را تغییر می‌دهد؛ زیرا هرگز به اطاعت از استعماگران سر خم نخواهد کرد. اسلام اتحاد نظامی را با دیگر کشورهای کفری صاحب قدرت رد نموده و به عوض آن تمرکز به ایجاد نه تنها یک قدرت کلان، بلکه در صدد یک دولت متقدر جهانی خواهد بود. این امر در نخست دولت را ملزم می‌دارد که صنعتی شود، بنأ با رشد صنعت و خودکفائی‌اش را در تولید سلاح رقم خواهد زد. دولت اسلامی قروض مبنی بر سود تحت شرایط خاص را رد نموده، در عوض منابع وسیع کشور را برای یک اقتصاد قوی و مستقل تجهیز و تحت شرایط نظام اقتصادی اسلام رهبری می‌کند. اسلام محدودیت دولت-ملت و ستفالیان را از بین می‌برد، که در اصل تصور می‌شد که شامل گسترش بی‌رحمانه خلیفه بود، که این خود تهمت علیه خلیفه و خلافت اسلامی

بود. بنابر این، دولت خلافت اسلامی، پس از احیای مجددش، تمرکز بر متحد ساختن تمام بلاد المسلمین خواهد کرد. اکنون واقعاً نیاز مبرم و زمان درست تأسیس مجدد خلافت راشدۀ ثانی بر منهج نبوت است.

نویسنده: مصعب عمیر-ولایه پاکستان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۷ جمادی الثانی ۱۴۴۰ھ.ق

۱۲ فیبروری ۲۰۱۹م